

ستاره آسمان اندیشه

زندگی و آثار ماندگار شیخ بهایی

زهرابانوزواره

دبیر تاریخ شهری

نگاهی به زندگی شیخ بهایی

تولدش در غروب چهارشنبه ۱۷ یا ۲۷ ذی الحجة سال ۹۵۳ هـ.ق، یا غروب پنجشنبه ۱۷ محرم سال مذکور، در قریه بعلبک^۱ از قرای جبل عامل واقع شده است. لقب وی «بهاءالدین» و تخلص شعری اش «بهایی» است. نسبت شریفش به حارث اعرور همدانی^۲ (م ۶۵ هـ) می‌رسد. پدرش «عزالدین حسین» از علما و مفاخر بزرگ دوران خود در لبنان و ایران، و از شاگردان شهید ثانی بوده است. وی در سال ۹۶۶ هـ.ق در حالی که ۴۸ بهار از سن شریفش می‌گذشت، به همراه همسر و فرزند ۱۳ ساله‌اش بهاءالدین محمد، به ایران مهاجرت کرد.

مقدمه

شیخ بهایی از مشاهیر علمای اسلام و از استوانه‌های تشیع در عصر صفوی است. وی یکی از چهره‌های تأثیرگذار مذهبی در چهار قرن اخیر به‌شمار می‌رود. آثار وجودی او آنقدر وسیع و پرنفوذ بود که مردم کوچه و بازار، عجایب و افسانه‌های زیادی را به وی منتسب می‌دارند. در این مقاله برآنیم با این ستاره آسمان اندیشه و خرد در آینه زندگی، و نیز با آثار ماندگار وی، بیشتر آشنا شویم. از این رو مقاله را در دو بخش تقدیم می‌کنیم:

۱. نگاهی به زندگی شیخ بهایی؛

۲. شیخ بهایی در عرصه سازندگی.

کلیدواژه‌ها: شیخ بهایی، آثار تاریخی اصفهان.



مسجد امام، اصفهان

ایران آن زمان، در سایه اقتدار حکومت سیاسی- مذهبی صفویه، از ثباتی نسبی برخوردار بود. پادشاهان این سلسله از بزرگ‌ترین حامیان شیعه به‌شمار می‌آمدند، دوستان و دوست‌داران خاندان پیامبر(ص) را محترم می‌شمردند و دانشمندان شیعی را از گوشه و کنار جهان به ایران فرا می‌خواندند. از این‌رو، ایران در مقایسه با قلمرو عثمانی، مأمن و پایگاه بسیار مناسبی برای شیعیان اکناف عالم به‌شمار می‌رفت. خاندان شیخ بهایی نیز با هجرت به ایران، نه‌تنها از آزار و اذیت و تهدیدات فراوان حکومت عثمانی مصون ماندند، بلکه در قلمرو شاهان صفوی، از منزلت و اعتبار خاصی برخوردار شدند و حتی به مناصب دیوانی و مذهبی نیز رسیدند که «شیخ‌الاسلامی» هرات و اصفهان از نمونه‌های بارز آن است.

تعلیم و تربیت شیخ بهایی، قبل از ورودش به ایران، در جبل عامل آغاز شده بود. اولین معلم او که باید او را بهترین معلمش نیز دانست، پدرش حسین بن عبدالصمد بود. او از والد دانشمند خود علاوه بر علوم عربی، فقه، اصول و تفسیر، درس اخلاق و حب اهل بیت (علیهم‌السلام) را نیز به‌خوبی آموخت. این تربیت عظیم، به خصوص جنبه‌های اخلاقی آن، نزدیک به ۳۰ سال ادامه یافت.

شیخ بهایی به سبب جامعیت و احاطه‌ای که بر علوم متداول و غیر متداول زمان خود داشت، در طول حیات پر بارش توانست خیل عظیمی از چهره‌های علمی و صاحب نام را در رشته‌های متعدد علوم چون فلسفه و کلام، ریاضی، فقه، ادبیات و... تقدیم کاروان بشریت کند که برای نمونه به ذکر اسم شریف تنی چند قناعت می‌ورزیم:

- **نظام‌الدین محمد قرشی**، صاحب «نظام‌الاقوال فی الاحوال الرجال»، وی احتمالاً همان همان است که «جامع عباسی»

شیخ را به اتمام رسانده است؛ **شیخ نجیب‌الدین علی بن محمد مکی عاملی**؛ **فاضل جواد بغدادی**، شارح «زبده الاصول»؛ **ملا محسن فیض کاشانی**، صاحب «وافی»؛ **مولی محمد صالح بن احمد مازندرانی**؛ **شیخ زین‌الدین بن شیخ محمد بن صاحب معالم**؛ **شیخ محمد تقی مجلسی اول**؛ **سیدحسین الحسینی مرعشی**، صاحب حواشی بر «وجیزه» و «معالم»؛ **محمد بن ابراهیم قوام شیرازی**، معروف به «ملاصدرا»، صاحب «الاسفار الأربعة» و ده‌ها کتاب فلسفی و کلامی دیگر؛ **محمد بن علی بن خاتون عاملی**، معروف به «ابن خاتون»؛ **ملا محمد باقر بن محمد مؤمن**، معروف به «محقق سبزواری».

شیخ در ۲۲ سالگی کتاب «الفوائد الصمدیه»- در علم نحو- را تألیف کرد. این کتاب پس از چند قرن، هنوز هم در حوزه‌های علمی مورد استفاده طلاب است. تعدادی دیگر از آثار قلمی شیخ عبارت‌اند از:

تشریح الافلاک؛ بحر الحساب؛ تحفه حاتمیه؛ جامع عباسی؛ تنبیه الغافلین؛ جوهر الفرد؛ خلاصه الحساب؛ زبده فی الاصول الفقه؛ مفتاح‌الفلاح فی عمل‌الیوم و اللیله؛ و جیزه در علم درایه؛ شرح‌الشرح چغمینی

شیخ بهایی در عرصه سازندگی

اگرچه سازندگی‌های شیخ در عرصه معنویات، تربیت شاگردان برجسته در علوم گوناگون و ارشاد و هدایت مردم با زبان و بنان، بر کسی پوشیده نیست و تألیفات فراوان وی شاهدی بر مجاهده پی‌گیر و شبانه‌روزی او در این عرصه‌هاست، اما آن‌چه که پس از گذشت چهار قرن از رحلت وی، نام شیخ بهایی را در ذهن و زبان مردم کوچه و بازار هم‌چنان زنده، بلکه حیات‌آفرین ساخته، بناهای شکوهمندی

است که هر یک به نوعی آیینۀ تمام‌نمای فکر، دانش، طراحی و مهندسی است. در این مجال، برخی از این آثار را معرفی می‌کنیم:

مسجد شاه اصفهان^۳

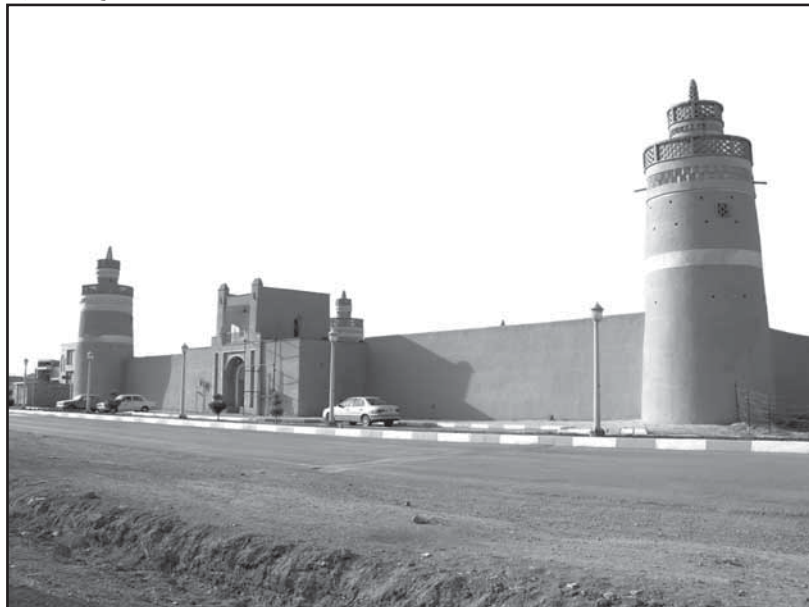
این مسجد که اکنون مسجد امام خمینی (ره) نامیده می‌شود، از شاهکارهای معماری قرن ۱۱ هـ. ق است. شاه عباس اول در سال ۱۰۲۰ هـ. ق که با بیست و پنجمین سال سلطنت وی مصادف بود، در یکی از روزهایی که درباریان و روحانیان، از جمله شیخ بهایی، در ایوان کاخ عالی‌قاپو نشسته بودند، با اشاره دست، ضلع جنوبی میدان نقش جهان را به شیخ بهایی نشان داد و گفت: «جناب شیخ! بر این انگشتری زیبا، جای نگینی خالی است.»

بعد با تلاوت آیه ۱۸ از سوره توبه: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمْنٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...»، منظور خود را به وی فهماند.

هرچند شیخ نیز با تلاوت آیه ۱۱۴ از سوره بقره: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَتَّعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يَذَّكَّرَ فِيهَا اسْمَهُ...»، جواب شاه را داد، اما همین محاوره مختصر، مبنای ساخت یکی از بزرگ‌ترین و زیباترین مساجد اسلامی در طول تاریخ بود.

کم‌کم طرح و نقشه مسجد بزرگ شاه، در ضلع جنوبی «میدان نقش جهان» اصفهان، توسط شیخ بهایی و بنا به توصیه شاه عباس صفوی تهیه و معمار بزرگ و توانای آن عصر، استاد علی‌اکبر اصفهانی، برای ساخت آن انتخاب شد.

در جریان ساخت مسجد، شاه صفوی بیش از همه شخصاً در محل حاضر می‌شد و از نزدیک به پیشرفت کار نظارت می‌کرد. شاه، بیش از حد لازم بر سرعت عملیات اصرار می‌ورزید. اما همان‌گونه که در تاریخ ثبت است، عملیات پایانی احداث مسجد، حدود ۱۰ سال پس از مرگ شاه تحقق یافت؛ چنان‌که از دوره جانشینان وی،



یعنی شاه صفی و شاه عباس دوم نیز آثاری در آن موجود است.

پرفسور آرتور ایهام پوپ^۴ در کتاب «معماری ایران» می‌نویسد: «این اثر تاریخی، نمایانگر اوج هزار سال مسجده سازی در ایران است. عناصر عمده ساختمانی و تزئینات، همگی در مسجد امام با هم پیوند یافته و این مسجد را در شمار بزرگ‌ترین ابنیه جهانی قرار داده‌اند. همه بنای مسجد با تناسبات شکوهمندی، بر شالوده‌ای وسیع ساخته شده است... هم گروه بنا، و هم وضع ساختمانی آن، اصول اعتقادی ساده اسلام را منعکس می‌سازند و دستوری اساسی را اعلام می‌دارند و به معرض نمایش می‌گذارند که عبارت است از: وحدت مؤمنان، یعنی در رحمت الهی، بدون واسطه و صریح، به روی همه آنها گشوده است.»^۵

تعیین سمت قبله مسجد شاه

از کارهای علمی که به نام شیخ بهایی معروف است، تعیین سمت قبله مسجد شاه اصفهان است به مقیاس ۴۰ درجه انحراف غربی از نقطه جنوب، و خاتمه دادن به یک سلسله اختلاف نظر که مفتیان عهد صفوی نسبت به تشخیص قبله عراقین در مدت

یک قرن و نیم داشته‌اند و چندین رساله در مقام رد و ایراد بر همدیگر نگاشته و عوام و خواص مملکتی را حیران و بلاتکلیف گذاشته بودند و گاهی مناقشات مزبور به حوادث ناگواری منتهی می‌شده است.

آن همه اختلاف اهل فتوا و حیرانی خلایق، به برکت علم و عمل شیخ بهایی برطرف شد.^۶

دیوار نجف و ساعت ظلّی

از آثاری که به شیخ بهایی منسوب است، تعمیر و به قولی ساخت دیوار صحن حضرت امیرمؤمنان (ع) در نجف اشرف و ساخت شاخصی برای تعیین اوقات است که به «ساعت ظلّی» معروف شد.

محمد بن سلیمان تنکابنی می‌نویسد: «تعمیر حصار دور صحن حضرت امیرالمؤمنین (ع) از طراحی او [شیخ بهایی] است؛ به نحوی کرده که هر وقتی که آفتاب به زیر دیوار آن حصار آید، آفتاب ظهر است؛ در هر فصلی از فصول [که] باشد.

حمام شیخ

مشهور و معروف است که شیخ بهایی، طرح و نقشه ساخت حمامی در محله دردشت - نزدیک بقعه معروف به «درب

امام» - اصفهان را تهیه کرد و به شخصی به نام **استاد علی معمار** سپرد تا به اتفاق گروهی از زبده‌ترین بناها و کارگران کاردان، با نظر و راهنمایی خود شیخ بسازند. در مراحل کار، شیخ هر روز چندین مرتبه به بازدید ساختمان حمام می‌شتافته و هر بار متناسب با پیشرفت کار، دستورات جدیدی به استاد معمار می‌داده است.

بالاخره، کار اصلی ساخت و ساز به پایان رسیده و تنها طرح ساخت «گلخن» آن باقی مانده بود. شیخ و استاد معمار بارها درباره شیوه عمل گلخن با هم گفت‌وگو کرده و سرانجام در یکی از نشست‌های مشورتی، استاد معمار رو به شیخ گفته است: «جناب شیخ! محفظه درونی گلخن، ظرفیت احتراق کامل را ندارد؛ بر حجم آن بیفزاییم تا فضای کافی برای چرخش شعله حاصل شود و نصیب کافی به گرم کردن دیگ اصلی برساند.»

شیخ پاسخ داده است: «استاد! حجم وسیع فضای گلخن به کار حمامی می‌آید که پشته پشته بوته در آن ریزند آتش آریند. گلخن منظور ما به فضای محدود بیشتر از چند شمع، نیازی ندارد. به علاوه، احتراق چوب، بوته و زغال، ناقص است و بهره کافی حاصل نمی‌شود و آن چه به دست می‌آید نیز در فضای اطراف به هدر می‌رود. کار حفظ گرمای حاصل ضرورت دارد و با عایق‌بندی و استتار لازم و متناسب، این مشکل برطرف می‌شود.»

به راستی، گلخن حمام شیخ چه خصوصیتی داشته که بی‌نیاز از چوب و بوته و زغال، کار احتراق در آن به خوبی صورت می‌گرفته و سال‌ها بی‌نیاز از سوخت‌های مرسوم، حمام را گرم نگه می‌داشته است؟ گذشته از تمام افسانه‌هایی که در مورد نحوه عملکرد حمام شیخ در طول چهارصد سال گذشته ابراز شده، تنها مطلبی که قابل ذکر و قبول است، این که شیخ بهایی با استفاده از فرمول‌های ریاضی و فیزیک و

تلفیق تجربه با آن، اصول حفظ و نگهداری انرژی و جلوگیری از هدر رفتن گرمای حاصل، همراه با تولید انرژی از تجزیه آب و به کارگیری سیستم مناسب عایق بندی و غیره، موفق شد سال های سال گلخن حمام معروف خود را بدون استفاده از سوخت های حجیم مرسوم در سایر حمام ها گرم نگه دارد و آن را به افسانه ای مبدل کند.

مرمت رصدخانه مراغه^۷

شاه عباس اول در مسافرتی که به نواحی شمال، قفقاز و قره باغ داشت، از شهر مراغه و رصدخانه معروف آن نیز دیدن کرد. شاه از دیدن ویرانی رصدخانه متأثر شد و پس از بازگشت، شیخ بهایی را به همراه جمعی از اهل فن، از جمله علی رضا خوش نویس و جلال منجم، به مراغه گسیل داشت. شیخ و همراهان او پس از عزیمت به مراغه، بی فوت وقت کار مرمت و بازسازی مجدد رصدخانه را آغاز کردند. چنان که در تاریخ مذکور است، در ماه ربیع الاول ۱۰۱۸ هـ. ق. در مراغه بودند و سرانجام بر اثر محاسبات علمی و ریاضی شیخ بهایی، علاوه بر مرمت بنای رصدخانه، مراحل تجهیز و اصلاح علمی و فنی آن نیز با موفقیت به انجام رسید و بار دیگر این مرکز بزرگ علمی، دوران شکوفایی و جلال خود را بازیافت.

شهر نجف آباد

درباره آثار به جای مانده از شیخ بهایی، روایات و اقوال و افسانه های زیادی در زبان عوام جریان دارد که از جمله آن ها ایجاد شهر نجف آباد است. در این مورد چنین نوشته اند: وقتی کاروانی، موقوفات حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین (ع) را به نجف اشرف حمل می کرده، در اولین منزل، یعنی محل فعلی نجف آباد، شیخ بهایی مولا علی (ع) را در خواب زیارت نموده و حضرت به او فرموده است که از محل وجوهات این

محموله، شهری در همان محل ساخته شود. آن گاه شیخ دستور داد امتعه کاروان را فروختند و از درآمد حاصل، هزینه ایجاد و ساختمان شهر کوچکی به نام نجف آباد را پرداختند.

طراحی و معماری و شیوه شهرسازی نجف آباد که شیخ بهایی صورت داده، نه تنها در آن زمان بی نظیر بوده، بلکه اینک پس از گذشت قریب چهار قرن، هم چنان مطلوب و مورد توجه است. بنای کوچه ها و محله ها از شیوه بسیار پیشرفته علمی پیروی می کند، به طوری که هنوز هم رفت و آمد در کوچه های عمومی شمالی، جنوبی، حمام شیخ بهایی

خاندان شیخ بهایی نیز با هجرت به ایران،

نه تنها از آزار و اذیت و تهدیدات فراوان حکومت

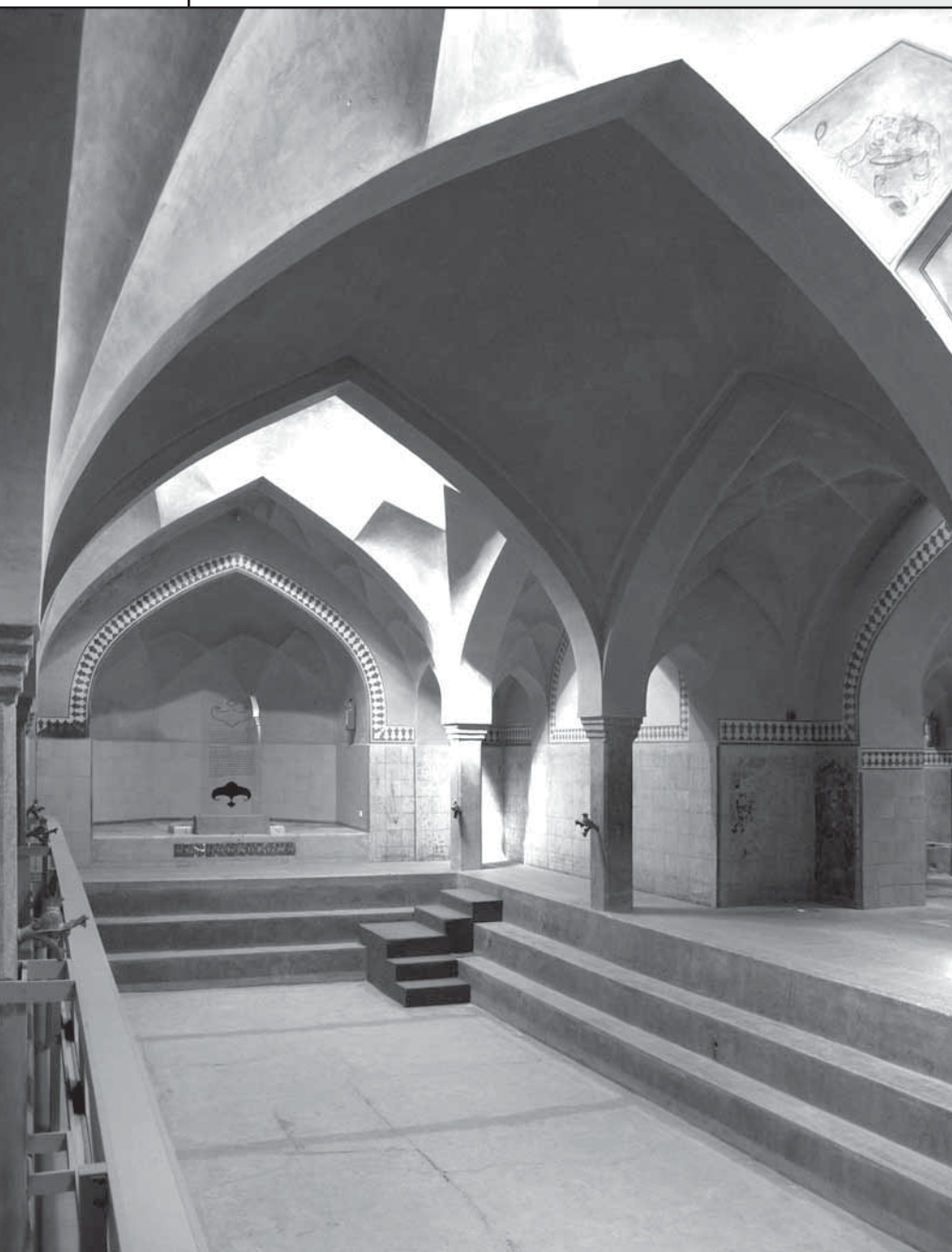
عثمانی مصون ماندند، بلکه در قلمرو شاهان

صفوی، از منزلت و اعتبار خاصی برخوردار

شدند و حتی به مناصب دیوانی و مذهبی نیز

رسیدند که «شیخ الاسلامی» هرات و اصفهان از

نمونه های بارز آن است



از آن جا که طرح پیوند دادن آب دو رودخانه کوه‌رنگ و زاینده‌رود به دلیل ناکافی بودن فناوری موجود در آن عصر، به شکست انجامیده بود، شیخ بهایی چاره را در این دید که به تقسیم علمی و عادلانه آب موجود میان قراوقصبات بپردازد تا بلکه مقدار زیادی از مناقشات برطرف شود

شرقی و غربی شهر، به صورت بسیار ساده و راحت صورت می‌گیرد.

اصولاً محله‌ها طوری طراحی شده‌اند که مشکلات رایج در شهرهای مشابه را ندارند. چنان که قدرت تصمیم‌گیری و فتوای شیخ در مورد هزینه موقوفات حرم مطهر حضرت علی (ع) در آن محل، نشانه اقتدار، ابتکار، نفوذ معنوی و روشن‌فکری وی است.

کاریز نجف‌آباد

این کاریز از بزرگ‌ترین قنات‌های ایران

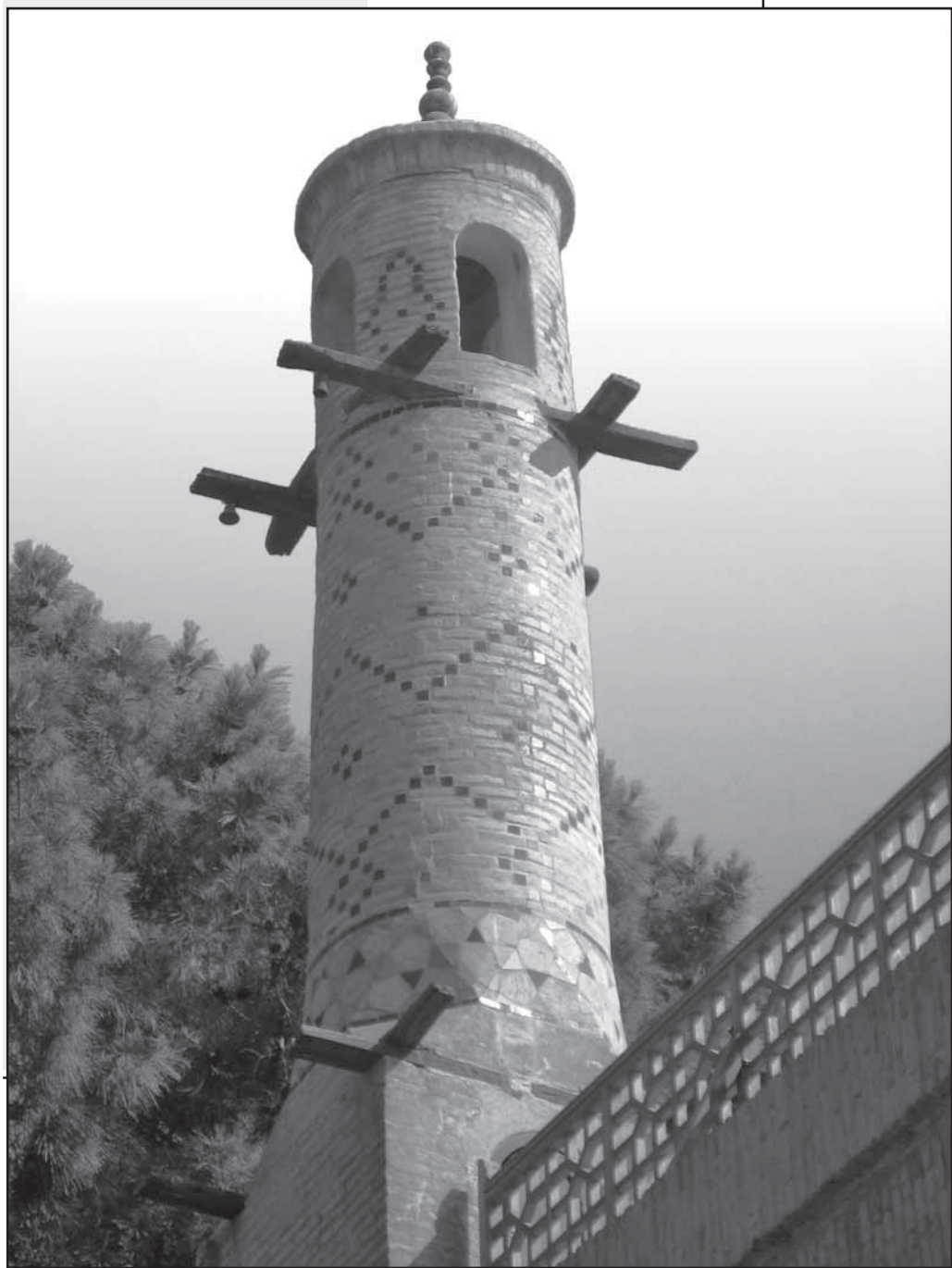
و طول آن از ابتدای مظهر قنات تا انتهای آبخور آن، بیش از ۹ فرسنگ و به قنات «زربین کمر» معروف است. از این کاریز، یازده جوی بزرگ منشعب می‌شود و هنوز هم شیوه توزیع آب آن مورد استفاده و عاری از هرگونه خطا و اشتباه در محاسبه است و همه کشاورزان از آن تبعیت می‌کنند. این روش توزیع، چنان است که هم‌اکنون نیز آب‌های کمکی حاصل از چاه‌های الکتریکی (پمپ‌ها) یا کانال‌های آبیاری را از طریق همین جوی‌ها تقسیم و توزیع می‌کنند.

مسجد شیخ لطف‌الله

این مسجد نیز از زیباترین بناهای دوران شاه عباس است که کار ساخت آن از ۱۰۱۱ ه.ق آغاز و در سال ۱۰۲۸ پایان پذیرفته است. مسجد در بخش شرقی میدان امام و روبه روی بنای عالی‌قاپو ساخته شده است. معروف است که شاه عباس آن را به منظور نمازگزاری پدرزن خود که از روحانیون برجسته آن دوره بوده ساخته و به اسم او (شیخ لطف‌الله) کرده است.

بنای مسجد بارها تعمیر و مرمت شده است. کتیبه زیر گنبد به خط **علیرضا عباسی** و به سال ۱۰۲۵ ه.ق مربوط است. زیر گنبد شبستانی است که در وسط آن چهار ستون مدور قرار دارد که در حقیقت، نگاه‌دارنده بنیان گنبد است.

این مسجد فاقد صحن و مناره و به منزله یک شبستان گنبددار است که رواقی مجلل آن را به میدان امام مربوط می‌کند. کاشی‌کاری داخل و خارج گنبد آن از نفیس‌ترین نوع کاشی‌کاری معرق است. گنبد این مسجد، از جهت تناسب و زیبایی، بدون شک زیباترین گنبدی است که تاکنون ساخته شده است. شیخ در اتمام بنای این مسجد و به‌خصوص کتیبه زیبای سر در آن و شعر رسای عربی که بر آن منقوش است، دست داشته است.



کاروان سرراهی شاه عباسی

بنا به نوشته‌ی بعضی از ارباب تراجم، شیخ بهایی در طراحی و ساخت کاروان سرراهی معروف به شاه عباسی که در سراسر ایران و سر راه کاروانیان ساخته شده بود و هنوز هم در جای جای ایران آثاری از آن‌ها باقی است نیز مؤثر بوده است.

منارجنبان (منار جم جم)

برخی، ساخت منارجنبان اصفهان (که بر سر راه اصفهان به نجف آباد واقع است) را نیز به شیخ بهایی نسبت می‌دهند. خصوصیت این منارها چنان است که اگر یکی را بجنبانند، منار دیگر و به تبع آن کل ساختمان، دچار لرزش خواهد شد.

این بنا به صورت یک بقعه و دو مناره روی مقبره‌ی **عمو عبدالله** - از زهاد معروف قرن هشتم هجری - بنا شده است. سنگ قبر آن به تاریخ ۷۱۶، با اواخر سلطنت سلطان محمد خدابنده، ملقب به اولجایتو، ایلخان مسلمان مغول مقارن است. ایوان منار جنبان یکی از ابنیه‌ی سبک مغولی در ایران است و مناره‌ها بعداً در تاریخی که درست معلوم نیست، به ایوان مزبور اضافه شده است.

تقسیم آب زاینده‌رود (طومار شیخ بهایی)

از دیرباز آب زاینده‌رود کفاف شرب و کشاورزی اصفهان و نواحی اطراف را نمی‌کرد و چه بسا کمبود آب موجب درگیری بین مالکان و کشاورزان می‌شد. تقسیم نادرست آب و زیاده‌خواهی مالکان بزرگ و زورمندان، مهم‌ترین علت این تشنجات بود.

از آن‌جا که طرح پیوند دادن آب دو رودخانه‌ی کوه‌رنگ و زاینده‌رود - از مشهورترین طرح‌های مهندسی شاه عباس اول - به دلیل ناکافی بودن فناوری موجود

در آن عصر، به شکست انجامیده بود، شیخ بهایی چاره را در این دید که به تقسیم علمی و عادلانه‌ی آب موجود میان قرا و قصبات بپردازد تا بلکه مقدار زیادی از مناقشات برطرف شود.

شیخ بارها در درس با شاگردانش موضوع را در میان گذاشت و از آرای آن‌ها استفاده کرد. سرانجام به همراه یک نفر از آنان، به سراغ رودخانه رفت، از جای جای آن به‌طور دقیق بازدید کرد و هر بار چیزهایی روی کاغذ نوشت. سرانجام با ترتیب دادن تقسیم‌نامه‌ی که بسیار علمی و فنی پرداخته شده بود، آب رودخانه را به ۳۳ سهم و سپس آن را به ۲۷۵ سهم و میان ۱۳ نهر (مادی) تقسیم کرد و سهم اشخاص و قرا و قصبات و زمین‌ها را معین فرمود، اما... مالکان بزرگ، بدین تقسیم عادلانه، روی خوش نشان ندادند و تهدیدها شروع شد. شاگرد شیخ که در این کار، یاور شیخ بود، کتک خورد و تهدید به قتل شد...

باری، این تقسیم آب که به «طومار شیخ» معروف است، به حدس قوی، تا اواسط ایام صفویه موجود بود، ولی به واسطه‌ی عملی نشدن آن یا برخی مصالح دیگر، مفقود شد و فرمانی و طومار دیگری با همان عنوان و با عبارات امروزی انشا کرده‌اند که هم‌اکنون موجود است. با این حال، عده‌ی زیادی بر این باور هستند که تقسیم کنونی به‌دست شیخ بهایی انجام یافته و ترتیبی بهتر از آن نمی‌شود! **الله اعلم.**

اقوال تاریخ‌نگاران در تاریخ وفات شیخ مضطرب است، اما تقریباً همگان واقعه‌ی ارتحال او را در یکی از دو سال ۱۰۳۰ و ۱۰۳۱ نوشته‌اند.

پی‌نوشت

۱. بعلبک، همان سرزمینی است که مردمانش

الیاس پیامبر را تکذیب کردند و سه سال دچار قحطی شدند تا سرانجام با دعای خیر او باران بارید و مشکل مردم به اصلاح آمد.

۲. از خواص اصحاب حضرت امیرالمؤمنین (ع) بود و توسط آن حضرت به خطاب «یا حارِ همدان مِنْ يَمْتُ يَرْي» مخاطب شد.

۳. یا مسجد «سلطانی» و «عباسی» هم‌اکنون به «مسجد امام خمینی» موسوم است.

۴. ایران‌شناس و دانشمند بزرگ آمریکایی که عمر خود را صرف شناسایی و معرفی هنر ایران کرده و کتاب‌ها در این باره تألیف کرده است. وی در سال ۱۲۶۵ شمسی متولد و در سال ۱۳۴۸ شمسی در شیراز بدرود حیات گفت. طبق وصیت وی، جنازه‌اش را به اصفهان - که معشوق واقعی او بود - انتقال دادند و در باغی کنار زاینده‌رود دفن کردند و بر مزارش بقعه‌ای ساختند.

۵. به نقل از شیخ بهایی در آئینه‌ی عشق، ص ۲۴۸ به بعد، با تصرف و تلخیص.

۶. مقدمه‌ی کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهایی. سعید نفیسی. ص ۵۱. (با تصرف و تلخیص).

۷. این رصدخانه از بزرگ‌ترین رصدخانه‌های آن زمان بود که توسط دانشمند و سیاست‌مدار بزرگ ایرانی، خواجه نصیرالدین طوسی، در دوران ترک‌تازی مغولان، در شهر مراغه به پا شد.

منابع

۱. آثار ملی اصفهان. ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی. انجمن آثار ملی. تهران. ۱۳۵۲.
۲. اصفهان، نصف جهان. صادق هدایت. چاپ اول. نشر قطره. تهران. ۱۳۷۷.
۳. الاصفهان. میرسیدعلی جنبان و ژان شاردن. به کوشش محمدرضا ریاضی. چاپ اول. سازمان میراث فرهنگی کشور. تهران. ۱۳۷۶. قطع رحلی.
۴. ایران عصر صفوی. راجر سیوری. ترجمه کامبیز عزیز. چاپ دوم. سحر. تهران. ۱۳۶۶.
۵. تذکره العلماء. محمدبن سلیمان تنکابنی. به اهتمام محمدرضا اظهري و غلامرضا پرند. چاپ اول. آستان قدس رضوی. مشهد. ۱۳۷۲.
۶. جلوه‌های هنر در اصفهان (ترجمه و تألیف) جلیل دهمشگی و علی جانزاده. چاپ اول. انتشارات جانزاده. ۱۳۶۶.
۷. ریحانه الادب. میرزا محمدعلی مدرس تبریزی. ج ۳ و ۴. چاپ چهارم. تهران. ۱۳۷۴.
۸. زنده‌رود یا جغرافیای تاریخی اصفهان و جلفا. علی جواهر کلام. چاپ دوم. ابن سینا. تهران. ۱۳۴۸.
۹. سفرنامه‌ی شاردن. بخش اصفهان. ترجمه حسین عربی. با مقدمه‌ی علی دهباشی. چاپ دوم. انتشارات نگاه. تهران. ۱۳۶۲.
۱۰. سیمایی از شیخ بهایی در آئینه‌ی آثار. محمد بقایی. چاپ اول. آستان قدس رضوی. مشهد. ۱۳۷۴.
۱۱. شیخ بهایی در آئینه‌ی عشق. اسدالله بقایی. امور فرهنگی شهرداری اصفهان. اصفهان. ۱۳۷۱.
۱۲. گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان. لطف‌الله هنرفر. چاپ دوم. تهران. ۱۳۵۰.
۱۳. مقالات تاریخی. رسول جعفریان. دفتر پنجم. مؤسسه‌ی چاپ الهادی. قم. ۱۳۷۸.